مقدمه‌ای بر
تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای

جستارهایی درباره تاریخ‌نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی

تألیف:

دکتر سیدمحمدهادی گرامی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

با مقدمه:

دکتر احمد پاکتچی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

تنظیم و برخی افزوده‌ها:

علیرضا دهقانی





عنوان: مقدمه ای بر تاریخ نگاری انگاره ای و اندیشه ای: جستارهایی درباره تاریخ نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی **مؤلف:** دکتر سیدمحمدهادی گرامی

مقدمه نویس: دکتر احمد پاکتچی

تنظیم و برخی افزوده ها: علیرضا دهقانی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشکده قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی

ویراستار، صفحه آرا: رضا عبداللهی

طراح جلد: محمد روشنی

نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چا پ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۱۱۵/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۶۱۵-۱

تهـران: بزرگراه شهیـد چمـران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: E-mail: press@isu.ac.ir • www.ketabesadiq.ir

سرشناسه: گرامی، سیدمحمدهادی، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور: مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای: جستارهایی درباره تاریخ‌نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی/ تالیف سیدمحمدهادی گرامی؛ با مقدمه احمد پاکتچی؛ تنظیم و برخی افزوده‌ها: علیرضا دهقانی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، انتشارات: دانشگاه آزاد اسلامی، پژوهشکده قرآن و عترت (ع)، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص.
شابک : ۱-۶۱۵-۲۱۴-۶۰۰-۹۷۸
موضوع: تاریخ‌نویسی اسلامی
موضوع: شیعه -- تاریخ‌نویسی
شناسه افزوده: پاکتچی، احمد، ۱۳۴۲ -، مقدمه‌نویس
شناسه افزوده: دهقانی، علیرضا، ۱۳۷۵ - ، ویراستار
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
شناسه افزوده: دانشگاه آزاد اسلامی. پژوهشکده قرآن و عترت(ع)
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۷م ۴گ/۶۵/ DS ۳۵
رده بندی دیویی: ۹۰۷/۲۰۱۷۶۷۱
شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۷۲۵۹۲

فهرست مطالب

مقدمه دکتر احمد پاکتچی[1]

تاریخ انگاره دیرزمانی نیست که به محافل اندیشه و پژوهش راه یافته، ولی در همین بازه زمانی راه خود را به خوبی بازگشوده و با استقبال قابل توجهی روبه‌رو شده است. به خصوص در چند دهه اخیر، شرایط جهانی اندیشه و مطالعه، نیاز به تاریخ انگاره بیش از پیش احساس شده و مسیر آن پرشتاب‌تر شده است. همانند هر شاخه دیگر از پژوهش علمی، از آلمان تا ایالات متحده و از اسکاندیناوی تا ایران، درک‌های متنوعی از تاریخ انگاره و نسبت آن به شاخه‌های دیگر پژوهش با نام‌های تاریخ اندیشه یا تاریخ مفاهیم وجود دارد، ولی در این معرکه آراء شایسته است به جای مصادره کردن اصطلاحات دیگران، معنای مورد نظر خود را منقح سازیم. آنچه در تعریف ما از انگاره مورد نظر است، تصویرهایی ذهنی است که دو خصوصیت مهم در آن وجود دارد: نخست آن که اجتماعی است و از ساحت فردی کاملاً بیرون رفته است و دیگر آن که حاصل یک فرآیند است که از تاریخیت برخوردار است. مقصود فرآیندی که انگاره از شکل‌گیری نخستین تا رسیدن به حد یک تصویر ساخت‌یافته طی کرده است، هر چند آن شکل نخستین، خود گسستی از یک انگاره پیشین باشد و هرچند آن انگاره ساخت‌یافته کنونی خود در معرض تغییر و راه جستن به انگاره یا انگاره‌هایی دیگر باشد. مانند هر امر تاریخی دیگر، در اینجا نیز سخن از شبکه‌ای از روندها و رخدادهاست،روندهایی که الزاماً از حرکتی آرام و تدریجی برخوردار نیستند که بتوان با شنیدن آغاز و فراز و انجام داستان، همه قصه را بازسازی کرد. تاریخ هر لحظه آبستن رخدادهایی است که یک تغییر و ورود به یک دوره جدید را رقم می‌زند.

باری، آن گونه که گفته شد، انگاره یک امر اجتماعی ـ تاریخی است و به همین سبب، مانند دیگر امور اجتماعی جنبه عینی در آن قوی است؛ به تعبیر دیگر نقش

---

1. این مقدمه پیشتر در کتاب: گرامی، سیدمحمدهادی (۱۳۹۶)، نخستین اندیشه‌های حدیثی شیعه: رویکردها، گفتمان‌ها، انگاره‌ها و جریان‌ها، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، آورده شده است ولی به دلیل ارتباط مستقیم آن با محتوای کتاب حاضر و با رضایت نویسنده، در این‌جا نیز آورده شده است.

پژوهشگر در ارتباط با آن از مقوله کشف و نه تعریف خواهد بود. برخلاف مفاهیم که بسیار اوقات حاصل یک خلاقیت ذهنی‌اند و کاملاً می‌توانند فردی و تازه‌تأسیس باشند. انگاره با باور منطبق نیست، چون جنبه فردی و روانشناختی در باور شاخص است و دقیقاً اندیشه هم نیست، چون اندیشه و فکر، کاربری قوه عاقله و استدلال در ساماندهی به معلومات برای رسیدن به پاسخ مجهولات است و در شرایط خودآگاهی اتفاق می‌افتد و همچنان می‌تواند فردی و خلاق باشد. بااین حال، انکار نباید کرد که هم حوزه باور و هم حوزه اندیشه با حوزه انگاره همپوشی دارند و همین امر زمینه تأمل‌ها در باره نسبت تاریخ انگاره با تاریخ اندیشه و تاریخ ادیان را فراهم می‌سازد.

به‌هرروی به نظر می‌رسد فراسوی این تأملات که گاه به مناقشه نیز می‌انجامد، باید به تاریخ انگاره اجازه داد تا در مسیر خود پیش رود و بتواند آن خلأهای معرفتی را پوشش دهد که شاید حوزه پژوهشی دیگری قادر به انجام آن نباشد. به خصوص اهمیت تاریخ انگاره زمانی بیشتر آشکار می‌شود که از خود بپرسیم آیا اصولاً مطالعه انگاره‌ها بدون نگاه تاریخی و طرز فکر تاریخی امکان‌پذیر است؟ پاسخ ما به این پرسش البته منفی است. برخی از فیلسوفان معاصر بر این باورند که پژوهش فلسفه چیزی جز پژوهش تاریخ فلسفه نیست، ولی اگر پشت صحنه فلسفه، اندیشه است که می‌تواند فردی و خلاق باشد و فضایی برای تفلسف وجود داشته باشد که با جنبه‌های خلاق فردی گره خورده باشد، چنین شائبه‌ای در باره انگاره به عنوان امری اجتماعی و تاریخی وجود ندارد.

انگاره چنان که تعریف کردیم ماهیتاً تاریخی است و در کارکرد اجتماعی خود، قدرت تاریخی‌اش را به کار می‌گیرد؛ پس کاوش آن نیز به نحو اجتناب‌ناپذیری تاریخی باید باشد. با توجه به این توضیح، در یک نگاه درجه دوم، تاریخ انگاره بیش و پیش از آن که به عنوان یک روش پژوهش به کار گرفته شود، یک طرز فکر و آیین اندیشه‌ورزی است.

اکنون جا دارد تأملی هم در باره موضوع تاریخ انگاره داشته باشیم. تاریخ انگاره در ماهیت خود یک مطالعه تاریخی است، هرچند بیشتر پدیدآورندگان آن فیلسوف بوده‌اند. این حوزه پژوهشی به تناسب سنخ موضوع تاریخی است و چاره‌ای جز در پیش گرفتن الگوهای عمومی تاریخ‌پژوهی ندارد، روندی که به طور روزافزون در تاریخ انگاره قابل مشاهده است. موضوع تاریخ انگاره همچون هر حیطه دیگر از مطالعات تاریخی، دگرگونی و تغییر است و انگاره‌ها همانند هر امر تاریخی دیگر باید در یک نسبت چندزمانه به بحث نهاده شوند.

در نگاه تاریخی، مقایسه زمان t- با t+ و t0 همیشه محور اصلی مطالعه است و تاریخ انگاره نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ ولی غالب آنان که از سده ۱۹میلادی به

سراغ نگاه تاریخ انگاره و تاریخ مفاهیم رفتند. هدفشان آن بود که انگاره‌های ساخت‌یافته و مفاهیم شکل‌گرفته در دوره معاصر را با ریشه‌های آن مقایسه کنند و نهایتاً بتوانند تصویر روشن‌تر و عمیق‌تری از آن امر ارائه کنند. از نگاه آنان انگاره و مفهوم در عصر حاضر حاصل انباشت یک ذخیره و سابقه تاریخی است و نگاه تاریخی می‌توانست ابزاری باشد برای تحلیل این مفهوم انباشته و بازشناسی یک‌یک لایه‌های تاریخی که نهایتاً به شکل‌گیری این انگاره و مفهوم معاصر منجر شده‌اند.

در پیشینه تاریخ انگاره، این شیوه مطالعه چنان که اشاره شد مسیری بود که می‌توان شروع آن را از محیط‌های فلسفی سراغ گرفت و سپس گسترش آن را در حوزه‌های علوم مختلف بازجست. در این گونه مطالعات، t0 زمان حاضر است که باید با گذشته t- سنجیده شود و با این مبنا پرداختن به t+ مصداق آینده‌پژوهی و خروج از بحث تاریخی است.

در برخی از حوزه‌های مطالعاتی ـ از جمله مطالعات اسلامی شرایط قدری متفاوت است. آنجا که چیزی به عنوان "اصل" (fundamental) می‌تواند مهم باشد. اگر در این نگاه اصل‌محور، آن اصل نوعی تأسیس فرض شود، به عکس آنچه در بالا گفته شد، t0 در آنجا نقطه تأسیس است، t- وجود ندارد یا اهمیت ندارد و و تنها t+ مطرح است که با عرضه به اصل، ارزش آن سنجیده می‌شود. نگاه انگاره‌ای بنیادمحور در واقع مانند یک چشمه، انگاره را از سرچشمه آن تا دوره‌های بعد دنبال می‌کند، در حالی که نقطه تمرکز مطالعه آن بر زمان بنیادگذاری است.

به طور معمول در مطالعات دینی اسلام، این دو نوع مطالعه دیده می‌شود؛ در مطالعات سنتی مثلاً فقه فقط دو چیز مهم بوده است: فتوای فقیه زنده چیست t0 _ t- و این که در نصوص دینی چه گفته شده است، یعنی t0 _ t+.

مطالعات خاورشناسی نیز به این دو گروه قابل تقسیم است: سنت خاورشناسی نگاه اصل‌محور به شناخت اسلام داشت، منابع کلاسیک مانند آثار کائتانی و گلدسیهر به دنبال آن بودند که بدانند اصل اسلام چه سخنی برای گفتن داشته است؟ خاورشناسی معاصر در مقابل، بیشتر توجهش به اسلام در عصر حاضر (Islam in practice) است و معنای این نگرش آن است که اسلام در زمان مدرن محور مطالعه است و رجوع به گذشته اهمیتی ندارد.

آنچه گفته شد چه در باره عالمان مسلمان سنتی و چه در باره خاورشناسان از سنخ تاریخ انگاره نیست؛ در آنها فقط یک زمان ملحوظ و زمان دیگر ناملحوظ است. موضوع زمانی صورت تاریخ انگاره پیدا می‌کند که دست کم سه مقطع زمانی -t، t0 و t+ وجود داشته باشد. وجود چنین ظرفیتی در تاریخ انگاره، این امکان را به‌وجود آورده

است که نقطه‌هایی میان صدر اسلام و عصر حاضر از نظر بار مفهومی انگاره‌ها مورد مطالعه قرار گیرد. می‌توان ادعا کرد پیش از رواج روش‌های تاریخ انگاره چنین امکانی ـ دست کم به صورت برنامه پژوهشی نظام‌مند ـ وجود نداشته است.

در نگاه تاریخ انگاره، زمان‌های میانی بسیار مهم‌اند، از آن رو که روندهای تغییر بسیار مهم‌اند و نباید نادیده گرفت که این طرز اندیشه، ارزش‌دهی به مراحل و دستاوردهای هر مرحله را نیز به همراه دارد که خود راهی مهم و کارآمد برای حفظ پیوست نسبت به سنت‌های دینی و پرهیز از افتادن در دام بنیادگرایی است. در واقع نگاه تاریخ انگاره‌ای در مطالعات دینی این امکان را فراهم آورده است که بتوان به جای یک نگاه بنیادگرا که برداشت‌های فردی عصری را مقدس‌سازی می‌کند، یک نگاه تحول‌گرا و ارزش‌گذارنده به سنت‌ها و پیشینه‌ها را جایگزین ساخت. برخی از مرجع‌های دینی تندرو ـ به خصوص از سلفیه ـ در عصر حاضر اصرار دارند ادعا کنند که باور آنان در خصوص دین، بی‌کم و کاست همان باور عرضه شده در نصوص دینی در صدر اسلام است و در این مسیر پرهیزی ندارند از این که ادعا کنند فهم‌های دیگر تخطی از انگاره‌های اصیل اسلام است. در مقابل، آنان که گرایش عصری افراطی داشتند، ضرورت نمی‌دیدند برای نگرش عصری خود سابقه‌ای بجویند و با مطرح کردن عناصر فرامتنی مانند عقل یا عرف این نقصیه را جبران می‌کردند. البته گفتنی است در این میان دیدگاهی که بر اجتهاد تکیه دارد، اما قائل به نظریه «تخطئه» است ـ مانند دیدگاه مشهور امامیه ـ می‌تواند به یک حد وسط، یک نقش اعتدالی را ایفا نماید و از هر دو آسیب به دور باشد.

به‌هرحال، الگوی تاریخ انگاره شرایط مناسبی را فراهم آورده است که نه تنها به عنوان یک روش، بلکه به عنوان یک مبنای اندیشه، سیر تحول یک انگاره با لحاظ عرف، جامعه و عقلانیت جمعی و نسبت آن به سرچشمه‌های تاریخی ـ از جمله نصوص ـ دنبال شود. بدون این که بخواهیم همه مطالعاتی که از طریق تاریخ انگاره انجام شده را به طور عصری مورد تأیید جزء به جزء قرار دهیم، باید ادعا کنیم که تاریخ انگاره چنین امکانی را در فضای مطالعات دینی پدید آورده است که بتوان از آن الگوی دووضعیته یاد شده عبور کرد و نگاه‌های افراطی را با نگاه‌های تاریخمند که به بافت اجتماعی هم در مسیر مطالعه و هم در مسیر شکل‌گیری انگاره اهمیت می‌دهد، جایگزین نمود. با توجه به آنچه در باره تفکر اجتهادی با مبنای تخطئه به عنوان حد وسط گفته شد، دور نیست اگر گفته شود تاریخ انگاره، با این دیدگاه بیشترین تناسب و سازگاری را دارد.

دکتر احمد پاکتچی

بهمن ۱۳۹۶